

تاریخ سیاسی ۵

آیریس چانگ

ترجمه

غلامحسین میرزا صالح

نانکینگ

شرح جنایات ژاپن در چین

نشر نگاه معاصر

فهرست

۵	پیشگفتار.....
۴۳	آغاز سخن.....
۴۷	مقدمه.....

کتاب اول

۵۵	به سوی نانکینگ.....
۷۵	شش هفته ترور و وحشت.....
۷۵	شتاب برای تسخیر نانکینگ.....
۷۷	فرمان شاهزاده آساکا.....
۸۲	کشتار اسیران جنگی.....
۸۸	قتل عام غیرنظامیان.....
۸۹	روزنامه نگاران ژاپنی.....
۹۳	ورود ژنرال ماتسونی به نانکینگ.....
۹۶	زنان کامبخش.....
۹۸	نانکینگ و انگیزه های پنهان.....
۱۰۷	سقوط نانکینگ.....
۱۳۳	شش هفته هولناک.....
۱۳۵	مسابقه گردن زنی.....
۱۴۰	شکنجه.....
۱۴۳	تجاوز جنسی.....
۱۵۸	شمار مردگان.....
۱۶۵	معتطفه ایمنی نانکینگ.....

۱۶۹ نازی ناجی نانکینگ
۱۸۶ تنها جراح نانکینگ
۱۹۷ الهه نانکینگ

کتاب دوم

۲۱۵ مردم جهان و قتل عام نانکینگ
۲۱۶ خبرنگاران آمریکایی
۲۱۸ فیلمبرداران
۲۲۰ بستن زبان مطبوعات
۲۲۱ واکنش دستگاه امنیتی خارج
۲۲۱ در باب تجاوز به نانکینگ
۲۲۳ تبلیغات ژاپنی‌ها
۲۲۹ ایستادگی مدیران کمیته بین‌المللی
۲۳۷ اشغال نانکینگ
۲۴۹ روز داوری
۲۵۳ دادگاه بین‌المللی
۲۶۵ سرنوشت بازماندگان
۲۸۹ هولوکاست فراموش شده
۲۹۶ کشمکش بر سر کتاب‌های درسی
۳۰۱ پنهانکاری دانشگاهی
۳۰۳ خودسانسوری
۳۰۴ جدال بر سر قتل عام نانکینگ
۳۰۷ ارباب و تهدید
۳۱۱ سخن آخر
۳۲۷ سرنوشت مرگبار نویسنده کتاب
۳۳۹ نمایه

پیشگفتار

به روایت افسانه‌ای کهن، آنگاه که زمین و آسمان در الوهیتی متفاوت در بلندای دشتی بهشتی پدید آمدند، اله و الهگانی زاده شدند و به ازل پیوستند. از میان آنان، پریانی ایزاناگی و ایزانامی نام که خواهر و برادر بودند، بر پلی شناور ایستادند و نیزه‌ای در اقیانوس فرو کردند و برکشیدند. قطراتی که از نیزه آنان فروچکید جزایری شدند مقدس که ژاپن نام گرفت. ایزانامی اندکی بعد چشم فرودوخت و ایزاناگی به‌هنگام شستن چشمان و دماغش سه موجود شهیر پدید آورد که خورشید بود و ماه و توفان. از نخستین آفریدگانش آماتراسو، سرسلسله سلاطین دای‌نپون بود که تا به امروز بر ژاپن فرمانروایی دارند و یکصد و بیست و پنجمین آنان اینک خدایگانی است بر تارک دولت. ژاپنیان آنان را گاه «تنچی» فرزند خدا می‌خوانند و گاه «تننو» سلطان آسمانی و یا «میکادو» باب عالی و «تائیشو» عدالت بزرگ و در سده بیستم «شوآ» چیزی به معنی صلح درخشان. سرزمین چند هزار پاره ژاپن که در واقع ماحصل تسونامی‌ها و زلزله‌ها بود تا قطرات چکیده از نیزه جواهرآسای آن دو موجود ملکوتی، تا سال ۱۲۷۴ درامان از چشم‌زخم بیگانگان بود و چونان ماهیان دریا‌های اطراف خود اسیر آب‌های پیرامونش. مردمانش در آسمان و زمین و در میان درختان و حیوانات در پی ارواحی بودند که تجسم آنان را در کورسوی چراغی به چشم می‌دیدند و برای دور کردنشان کاسه لاک‌پشت می‌سوزاندند و در گور مردانشان اشیاء قیمتی و شمشیر می‌نهادند و در گور زنانشان آینه.

هنگامی که هفت سال بعد امپراتور مغول قوبلای قآن، نوه چنگیزخان و بنیانگذار سلسله یوان و قآن، با نیروی عظیم دریایی خود، با یکصد و پنجاه هزار جنگجو برفراز آنان در جنگی پنجاه و سه روزه قصد افزودن ژاپن به قلمرو امپراتوریش را داشت، توفانی سهمگین برخاست و لشکریان و ناویان مغول را درهم کوبید، ژاپنی‌ها در معابد خویش به‌خاطر وزیدن آن «باد الهی» یا به تداول عامیانه «کامیکازه» دست به‌دعا برداشتند و در ستایش ارواح و خدایانشان سر بر زمین سودند. کامیکازه شش قرن و نیم بعد نیز وزیدن گرفت و این بار به هیبت آدمی صدها کشتی دشمن را نابود کرد و درهم شکست.

پرتغالی‌ها نخستین اروپاییانی بودند که در سال ۱۵۴۲ در سر راه خود به ماکائو، سرزمینی که از چینیان کرایه کرده بودند، وارد سواحل ژاپن شدند. مبلغان مسیحی نیز هفت سال بعد به همراه تاجران قدم به خاک ژاپن نهادند. دو جماعتی که یکی کتاب مقدس و دیگری تفنگ در دست، به هنگام ورود به سرزمین‌های ناشناخته جهان، توأمان هم بودند. ژاپنی‌ها به‌زودی طرز ساختن تفنگ سرپُر را آموختند و دایمیوها، همان اسماء اعظم، یا اربابان زمیندار عصر فنودالیزم ژاپن، از آن ابزار آتشین برای سرکوب دشمنانشان بهره‌ها گرفتند که از آن میان می‌توان به نوبوناگا، دایمیوی نواحی مرکزی اشاره نمود که در جنگ‌های سال ۱۵۷۸ از این سلاح برای مطیع کردن همسایگانش استفاده کرد.

اولین انگلیسی به‌نام ویل آدامز، اهل لندن، در سال ۱۶۰۰ در رأس ملوانان یک کشتی هلندی که از یکصد سرنشین آن تنها بیست و چهار تن از توفان جان بدر برده بودند وارد ساحل ژاپن شد. ویل آدامز به خدمت توکوگاوا آئیباسو درآمد و نخستین کشتی به‌سبک اروپاییان را برای او ساخت. آئیباسو تیولی به آدامز بخشید و وظیفه ارتباط با بازرگانان هلندی و انگلیسی و

پرتغالی و اسپانیایی را به دست او سپرد. آدامز با زنی ژاپنی ازدواج کرد و پس از مرگ در یوکوسوکا به خاک سپرده شد.

آمریکاییان به چهار دلیل چشم به ژاپن داشتند: توسعه تجارت با چین از طریق کانتون، رونق صنعت صید نهنگ در اقیانوس آرام، تصاحب کالیفرنیا و کشف معادن طلا و هجوم مردم به آن ایالت در ۱۸۴۸ و بالأخره رواج دریانوردی با بهره‌گیری از نیروی بخار. مقصود اصلی متیو کلبریث پری فرمانده ناوگانی آمریکایی از نزدیک شدن به کناره‌های ژاپن در تابستان ۱۸۵۳ گرفتن قول و تضمین لازم برای برخورد دوستانه ژاپنی‌ها با ملوانان آمریکایی و امکان پهلو گرفتن کشتی‌های آن کشور برای تعمیرات و تهیه تدارکات مورد نیاز بود. گفتنی است که هفت سال پیش‌از پری، افسر فرمانده دیگری به نام بیدل ناامیدانه کوشیده بود تا نظر موافق ژاپنی‌ها را در مورد ورود کشتی‌های آمریکایی جلب کند.

ناوگان آمریکایی به‌علت تولید دود فراوان، در نزد ژاپنی‌ها به «کشتی‌های سیاه» شهرت یافت. ژاپنی‌ها که تا آن زمان برای پیش راندن شناورهای خود وسیله‌ای جز پارو و بادبان نمی‌شناختند از دیدن دو فروند کشتی آمریکایی که با نیروی بخار کار می‌کرد دچار حیرت شدند.

واکنش ژاپنی‌ها در مورد نامه میلارد فیلمور، سیزدهمین رئیس‌جمهور آمریکا در باب عقد پیمان تجارت که به‌وسیله پری تقدیم شوگون شد یکسان نبود. نظر لرد میتو عضو خاندان توکوگاوا آن بود که خارجیان قصد تصرف ژاپن را دارند: «اگر حالا آنان را پس نرانیم، دیگر فرصت این کار را پیدا نخواهیم کرد.» لیکن دیگران معتقد بودند که باید درهای مملکت را گشود و از خارجیان علم و دانش آموخت تا در سالیان بعد بر آنان برتری پیدا کرد.

در این میان دریادار فیفیم واسیلیویچ پوتیاتین روس نیز که ده سال پیش از آن نیکالای اول با مأموریت او جهت انجام پاره‌ای تحقیقات و همچنین برقراری رابطه با ژاپن موافقت کرده‌بود، با رزمناو پالادا وارد آب‌های ناکازاکی شد. گفتنی است که ایوان گنچاروف نویسنده برجسته روس که در این سفر